

مفهوم فلسفه اسلامی

دکتر علی اصغر ماشینیچی ۱ عباسعلی شمایی ۲ (نویسنده مسئول)

۱. استاد یار گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد، لامرد، ایران

Mashinchi56@gmail.com

۲. ابواب جمعی اداره آموزش و پرورش شهرستان خنج، کارشناس ارشد رشته مدیریت آموزشی، گروه علوم

تربیتی، ایران

Yasingamali1374@gmail.com

چکیده

سابقه و هدف: تفکر متفکران مسلمان رابطه بسیار نزدیکی با اصول مذهبی دارد این رابطه به واسطه دینی است که همه اندیشه و شخصیت معتقدانش را تحت تأثیر قرار می دهد. مقایسه متفکران مسلمان با متفکران غرب تفاوت آشکاری را نمایان می سازد به عنوان یک ویژگی مهم تأکید بر معرفت دینی اندیشه مسلمانان را از اندیشه غربی ها متمایز می سازد.

مواد و روشها: مطالعه حاضر از نوع توصیفی تحلیلی است و پس از بررسی مفاهیم با ارائه نتایج به پیشنهادات کاربردی پرداخته شده است. روش تحقیق حاضر توصیفی و روش گردآوری اطلاعات آن، کتابخانه ای است. بدین صورت که از منابع کتابخانه ای نظیر: کتاب، مقاله، منابع خارجی و ... و آموخته های محقق استفاده شده است.

یافته ها: از نظر این پژوهش مجموعه بینش جهان شناختی اسلام برای متفکر مسلمان یک هندسه فکری می سازد که نمی توان به هیچ وجه یک بخش را از بقیه جدا دانست. روی آوردن مسلمانان به مسائل و مباحث عقلی از آنجا آغاز شد که متفکران مسلمان توانستند از طریق آشنایی با ترجمه آثار فلسفی یونان و روم روش و مباحث فلسفی را فرا گیرند و از آن پس خود طرح و به تحلیل آن مباحث از دیدگاه اسلامی پردازند.

نتیجه گیری: از مباحث ایراد شده نتیجه گرفته می شود که علوم انسانی مسلمانان خصلتی انسانی دارد چرا که دغدغه اصلی متفکر مسلمان، انسان و چگونگی رسیدن او به الگوی مطلوب انسان کامل است. در تبیین های اجتماعی جدید پدیده های دیگری غیر از انسان مطرح است. فلسفه اسلامی شاخه ای از علوم اسلامی است که به تفسیر و توجیه متافیزیک اسلامی می پردازد. از فلسفه اسلامی با عنوان فقه اکبر یا حکمت نیز یاد می شود. تکوین و صورت های متنوع آن، به طور اساسی، با هائری کرین فلسفه اسلامی را فلسفه ای تعریف می کند که امر دینی و معنوی اسلام پیوند یافته و مؤید این نکته است که اسلام، بیان دقیق و اساسی خود را در فقه پیدا نمی کند.

واژگان کلیدی: تفکر اجتماعی، اسلام، متفکران مسلمان، متفکران غرب، اندیشه غربی و اسلامی.

مقدمه

فلسفه اسلامی شاخه ای از علوم اسلامی است که به تفسیر و توجیه متافیزیک اسلامی می پردازد. از فلسفه اسلامی با عنوان *فقه اکبر* یا حکمت نیز یاد می شود [۱]. از مهم ترین فلاسفه مشائی اسلامی می توان ابن سینا، ابویوسف کندی، فارابی، خواجه نصیرالدین طوسی، میرداماد، ابن رشد، ابن باجه و ابن الصائغ آندلسی را نام برد [۱۴]. ارسطو بنیانگذار این روش بوده است. شهاب الدین یحیی سهروردی، قطب الدین شیرازی و شمس الدین شهرزوری از جمله فلاسفه اشراقی بوده اند. از عارفان می توان به محیی الدین ابن عربی (بنیانگذار)، بایزید بسطامی، حلاج شبلی، جنید بغدادی، ذوالنون مصری، ابوسعید ابوالخیر، خواجه عبدالله انصاری، ابوطالب مکی، ابونصر سراج، ابوالقاسم قشیری، ابن فارض و مولوی اشاره کرد [۱۵].

روش تحقیق

روش پژوهش حاضر از نوع کیفی توصیفی و مروری تحلیلی می باشد که با جستجو در مقالات علمی و کتاب های مختلف و اینترنت به تدوین آن پرداخته شده است. از جمله مهم ترین موتورهای جستجو و پایگاه های اطلاعاتی معتبر مورد استفاده در این تحقیق عبارت بودن از: تحلیل محتوا یک شیوه پژوهشی است که برای تشریح عینی، منظم و کمی محتوای آشکار پیام های ارتباطی به کار می رود. این شیوه ابتدا در علوم ارتباطات به کار گرفته شد و در حال حاضر، بخصوص در سال های اخیر این شیوه پژوهش در سایر علوم، از جمله علوم تربیتی نیز مورد استفاده قرار گرفته است. تحلیل محتوا به اعتقاد بیشتر صاحب نظران روش پژوهشی است که برای بیان مفاهیم یا واژه های معینی در یک متن و یا مجموعه ای از متون استفاده می شود. برخی نیز آن را یک روش تجزیه و تحلیل داده ها می دانند. متن می تواند شامل کتاب، فصل یا فصل هایی از یک کتاب، نوشته ها، مصاحبه، گفتگو، عناوین و مقالات مطبوعات و اسناد تاریخی باشد.

مبانی نظری

فلسفه اسلامی شاخه ای از علوم اسلامی است که به تفسیر و توجیه متافیزیک اسلامی می پردازد. از فلسفه اسلامی با عنوان *فقه اکبر* یا حکمت نیز یاد می شود. تکوین و صورت های متنوع آن، به طور اساسی، با هانری کربن فلسفه اسلامی را فلسفه ای تعریف می کند که امر دینی و معنوی اسلام پیوند یافته و مؤید این نکته است که اسلام، بیان دقیق و اساسی خود را در فقه پیدا نمی کند [۳].

تاریخ:

با رویش اسلام در جزیره العرب و گسترش نفوذ آن توسط خلفا، قلمرو حکومت اسلامی به سرعت گسترش علمی و فلسفی به زبان عربی، به عنوان زبان مشترک تمدن آثار برجسته یافت. [۴] سپس به تدریج ترجمه جدید، آغاز شد و کتاب های بسیاری از فیلسوفان یونان و اسکندریه و دیگر مراکز علمی معتبر آن زمان، به عربی برگردانده شد [۵]. بدین ترتیب نخستین فیلسوفان و متکلمان مسلمان، با افکار فیلسوفان یونان باستان و به ویژه با سقراط، افلاطون، ارسطو و فلوطین آشنا شده و به شرح و بسط آرای آن ها با مقداری دخل و تصرف برای اسلامی، هستی شناسی به اصلی فلسفه هماهنگ کردن آن با اسلام پرداختند. بن مایه سبک نوافلاطونی و نوفلوطینی و تفسیر اسطوره ای جهان می باشد [۶].

عناصر اصلی است که وارد مکتب نوافلاطونی برای نمونه تنها دو کتاب اثولوجیا و خیرالمحض حاوی همه اسلامی شده است: تعالی محض مبدأ اول یا خدا، انتشار یا صدور اشیاء از او، نقش عقل به عنوان وسیله ای برای خدا در آفرینش، و به عنوان حیز صور اشیاء و مصدر اشراق بر عقل آدمی؛ موضع نفس در پیرامون عالم عقلی و حلقه واسطه یامرزمیان عالم عقلی و عالم حسی، و بالاخره خوار شمردن ماده از حیث اینکه پست ترین مخلوق صادر از واحد و پایین ترین پله در نردبان جهان هستی است [۷].

مکاتب تاریخی و جریانهای مؤثر

مکاتب سه گانه تاریخی فلسفه اسلامی:

• مکتب مشاء

• مکتب اشراق

• حکمت متعالیه [۸]

جریان های زیر در فلسفه اسلامی تأثیر بسزایی داشته که به ترتیب زمان پیدایش عبارتند از:

1. مکتب فلسفی مشاء: در این روش فقط از استدلال و برهان عقلی و منطقی استفاده می شود. در این روش کوشش شده

است که مرز میان فلسفه و دین حفظ شود و فیلسوف آزادانه و بی طرفانه به بررسی امور فلسفی بپردازد [۹].

2. علم کلام در شیعه، معتزله و اشاعره: در این روش از استدلال و مباحثه برای دفاع از اعتقاد به اسلام و اصول اسلامی و

راضی کردن طرف مقابل به پذیرش آن استفاده می شود [۱۰].

3. مکاتب عرفانی: در این روش از تهذیب و تصفیه نفس برای رسیدن به حقیقت فعالیت عملی (ونه کشف و معرفی حقیقت

فعالیتی علمی استفاده می شود [۱۱].

4. مکتب فلسفی اشراق: در این روش هم از فکر و هم از تهذیب و تصفیه نفس برای مکاشفه یافتن حقیقت توسط شهود

عرفانی استفاده می شود. هدف از این کار کشف و معرفی حقیقت است، نه رسیدن به آن [۱۲].

جریان اول خالق فلسفه است. جریان های دوم و سوم در بیشتر موارد مخالفان سرسخت فلسفه اند که مخالفت هایشان

فلسفه اسلامی را وادار به تحرک و پویایی نموده است [۱۳]. از مهم ترین فلاسفه مشائی اسلامی می توان ابن سینا، ابویوسف کنندی،

فارابی، خواجه نصیرالدین طوسی، میرداماد، ابن رشد، ابن باجه و ابن الصائغ آندلسی را نام برد [۱۴]. ارسطو بنیانگذار این روش بوده

است. شهاب الدین یحیی سهروردی، قطب الدین شیرازی و شمس الدین شهرزوری از جمله فلاسفه اشراقی بوده اند. از عارفان می

توان به محیی الدین ابن عربی (بنیانگذار)، بایزید بسطامی، حلاج شبلی، جنید بغدادی، ذوالنون مصری، ابوسعید ابوالخیر، خواجه

عبدالله انصاری، ابوطالب مکی، ابونصر سراج، ابوالقاسم قشیری، ابن فارض و مولوی اشاره کرد [۱۵].

مرتضی مطهری چنین می گوید: این چهار جریان در جهان اسلام ادامه یافتند تا در یک نقطه به یکدیگر رسیدند و جمعاً

جریان واحدی را به وجود آوردند. نقطه ای که این چهار جریان در آنجا با یکدیگر تلاقی کردند حکمت متعالیه نامیده می شود [۲].

فلسفه اسلامی و عرفان

در طول تاریخ، عرفان اهمیت زیادی در فلسفه جدی این دو را در فلسفه اسلامی داشته و امروزه نیز بسیاری مطالعه فلسفه

اسلامی کنار هم توصیه می کنند. تقریباً تمامی فلاسفه درباره تصوف مطلب نوشته اند یا علاقه به عرفان داشته اند [۱۶]. فلسفه

اسلامی را نمی توان بدون عرفان شناخت. از آن جا که اساسی ترین موضوع اسلامی با فلسفه اسلامی، خداست، ورود به آن بدون

پرداختن به خدا ممکن نیست [۱۷]. هانری کربن معتقد است پیوستگی فلسفه با عرفان باعث شده تا بسیاری مفسرین حامی این

ایده باشند که نمی توان بدون طلب خدا، به طلب حکمت پرداخت [۱۸].

مخالفان فلسفه

عده ای از علمای شیعه تدریس و مطالعه فلسفه را بنابر حدیثی از حسن عسکری در مورد آخر الزمان عالمان و اندیشمندان

آنها (اندیشمندان غیر مسلمان) بدترین آفریده های الهی در روی زمین اند؛ چرا که به فلسفه و تصوف تمایل نشان می دهند. به

خدا سوگند! آنها از عقیده و فطرت خود برگشته و از راه حق منحرف شده اند. در علاقه و محبت به مخالفان ما زیاده روی می

کنند و شیعیان و دوستداران ما را به گمراهی می کشانند حرام می دانند [۱۹].

جایگاه فلسفه اسلامی در تاریخ فلسفه

بسیاری از مورخان فلسفه غرب، تحت تأثیر هگل، تاریخ فلسفه را منحصر به تاریخ فلسفه غرب می دانند و دیگر فلسفه ها، از جمله فلسفه اسلامی را فرع و حاشیه ای از فلسفه غرب می شمارند [۲۰]. برخی مستشرقان قرن نوزدهم گفته اند که اساساً نژاد عرب توانایی فلسفه ورزی ندارد، و از این رو فلسفه عربی یا اسلامی نداریم [۲۱].

تمن *آلمانی* موانع فهم فلسفی عرب را امور ذیل دانسته است:

1. کتاب دینی (قرآن) که مانع آزاداندیشی است

2. نقل گرایی اهل سنت

3. تسلط مطلق ارسطو بر عقول

4. طبیعت قومی عرب که به اوهم متمایل و با آن مانوس است [۲۲].

دبور نیز بر آن است که تفکر فلسفی فقط از نژاد آریایی برمی آید و عقل سامی از آن ناتوان است [۲۳]. در این عبارات روحیه نژادپرستانه ای که در قرن نوزدهم در اروپا رواج یافت به خوبی دیده می شود. آنان نژاد آریایی را برترین نژاد می دانستند. ارنست رنان در کتاب تاریخ زبان های سامی با افتخار می گوید که این من بودم که برای نخستین بار فرودستی نژاد سامی را از نژاد آریایی طرح کردم. به نظر او نژاد سامی در فلسفه جز اقتباس و تقلید کاری نکرده است [۲۴].

با صرف نظر از گرایش های نژاد پرستانه ای که در این گونه اظهار نظرها به چشم می خورد، به اجمال در نقد این آراء می توان گفت:

اولاً، این نسبت درباره قرآن ناروا و غیر منصفانه است؛ زیرا در قرآن افزون بر نکات حکمی بسیار و استدلالهای به کار رفته، دعوت به تفکر و تعقل و رد باورهای تقلیدی، غیر قطعی و نامستدل موج می زند؛

ثانیاً، مسلمانان فقط عربها نیستند؛

ثالثاً، آنان فقط نقل گرا و سنی نیستند؛

رابعاً، اینکه از اعراب پیش از اسلام فلسفه ای برجای نیست، دلالت نمی کند که آنان هیچ گاه قادر به خلق فلسفه نخواهند بود؛ چه یونانیان نیز پیش از تالس جز اساطیر و افسانه ها چیزی نداشتند، بنابراین نباید قادر به خلق فلسفه می شدند؛

خامساً، وجود فلاسفه اسلامی و آثار فلسفی در جهان اسلام بر این مدعا خط بطلان می کشد. افزون بر حضور آشکار فلسفه، اندیشه های فلسفی بسیاری را می توان در کلام، عرفان، تفسیر، اخلاق، نحو، تاریخ و دیگر علوم یافت [۲۵].

انکار سنت فلسفی در جهان اسلام، از بی اطلاعی درباره سیر فلسفه اسلامی سرچشمه می گیرد. اساساً خاورشناسان بیشتر به جنبه های تاریخی و فقه اللغتی فلسفه اسلامی پرداخته اند تا خود فلسفه. از این رو، فلسفه اسلامی اغلب در مراکز شرق شناسی یا مطالعات خاورمیانه یا مطالعات اسلامی کانون توجه بوده است، نه در دانشکده های فلسفه. سیر ترجمه آثار اسلامی به زبان های اروپایی پس از ابن رشد ادامه نیافت و غربیان از آثار و اندیشه های حکمای بعدی چون سهروردی، میرداماد و ملاصدرا بی خبر ماندند [۲۶].

حسن حنفی، نویسنده مصری می نویسد:

اولین فیلسوف ما- کندی- در نیمه اول قرن سوم هجری زندگی می کرد... و آخرین فیلسوف اسلامی- ابن رشد- سال 595 هجری در گذشته است [۲۷]. برخلاف نظر برخی خاورشناسان، اندیشه فلسفی با دوره ترجمه در قرن دوم آغاز نشد، بلکه پیش از آن این اندیشه پدید آمد؛ هرچند با نام عنوان فلسفه نبوده است، اما از جمله عوامل بسیار مؤثر در شکوفایی تفکر فلسفی در جهان اسلام، تعالیم قرآن و پیشوایان اسلامی در این زمینه بوده است و تأمل در معارف کتاب و سنت، الهام بخش متفکران مسلمان در روی آوردن به تفکر عقلی بوده است [۲۸].

پیش از ورود آراء فلسفی یونانی، نظریه اجتهاد در نخستین سده تاریخ اسلام مطرح بود و بذریع علم نظری اصول الفقه، که برخی از مباحث آن رنگ فلسفی دارد، در این دوره پاشیده شد. این شاخه از معرفت به نحوی چشمگیر مستقل از فلسفه رسمی به سیر تکاملی خود تا امروز ادامه داده است [۲۹].

مباحث علم کلام در نخستین دهه های اسلامی مطرح شد، تا اینکه رفته رفته به یک نظام عقلی پیچیده تبدیل شد. کلام نیز، به ویژه در روزگار نخستین، مسیری تقریباً مستقل از فلسفه رسمی داشت، اما هم در کاربست عقل و منطق، و هم در موضوعات مورد بحث، با فلسفه قرابت بسیاری داشت. گفت گوها و مباحثاتی که بین فلاسفه و متکلمان در موضوعات نظری درگرفته است، تأثیر بسیاری در مباحث و مواضع فلاسفه و سیر فلسفه داشته اند [۳۰].

عرصه دیگری که با اندیشه فلسفی بی ارتباط نیست، تصوف و عرفان است. متصوفه نیز جهان شناسی و انسان شناسی و معرفت شناسی خاص خود را داشتند و اختلاف مشرب آنان با فلاسفه و نقدهای ایشان بر فیلسوفان و نیز تعامل فلسفه با عرفان در شکل گیری و توسعه فلسفه تأثیرگذار بوده است [۳۱]. حتی اگر فلسفه ای از بیرون مرزها وارد جهان اسلام نمی شد، خود این جریان های متنوع فکری و تعامل های آنان با یکدیگر، تفکر عقلانی و فلسفی را چه درون آن رشته ها و چه در بیرون و به صورت مستقل، ایجاد می کرد؛ اما فلسفه به معنای مصطلح آن، در جهان اسلام بی شک ریشه یونانی دارد؛ هرچند از فرهنگ اسلامی بسیار تأثیر پذیرفته است [۳۲].

کتاب های مرجع در فلسفه اسلامی

- شفاء - ابوعلی سینا
- اشارات و تنبیهات - ابوعلی سینا
- حکمه الإشراق - شهاب الدین سهروردی
- اسفار اربعه یا حکمت متعالیه - ملاصدرا
- منظومه - ملاهادی سبزواری
- بدایه الحکمه - محمدحسین طباطبایی
- نهایه الحکمه - محمدحسین طباطبایی
- تلویحات - سهروردی
- مقاومات - سهروردی
- مطارحات - سهروردی

بحث و نتیجه گیری

از مباحث فوق نتیجه گرفته می شود که با رویش اسلام در جزیره العرب و گسترش نفوذ آن توسط خلفا، قلمرو حکومت اسلامی به سرعت گسترش علمی و فلسفی به زبان عربی، به عنوان زبان مشترک تمدن آثار برجسته یافت. سپس به تدریج ترجمه جدید، آغاز شد و کتاب های بسیاری از فیلسوفان یونان و اسکندریه و دیگر مراکز علمی معتبر آن زمان، به عربی برگردانده شد. بدین ترتیب نخستین فیلسوفان و متکلمان مسلمان، با افکار فیلسوفان یونان باستان و به ویژه با سقراط، افلاطون، ارسطو و فلوطین آشنا شده و به شرح و بسط آرای آن ها با مقداری دخل و تصرف برای اسلامی، هستی شناسی به اصلی فلسفه هماهنگ کردن آن با اسلام پرداختند.

این مطالعه نشان داد، بن مایه سبک نوافلاطونی و نوفلوطینی و تفسیر اسطوره ای جهان می باشد. عناصر اصلی است که وارد مکتب نوافلاطونی برای نمونه تنها دو کتاب اثولوجیا و خیرالمحض حاوی همه اسلامی شده است: تعالی محض مبدأ اول یا

خدا، انتشار یا صدور اشیاء از او، نقش عقل به عنوان وسیله ای برای خدا در آفرینش، و به عنوان حیز صور اشیاء و مصدر اشراق بر عقل آدمی؛ موضع نفس در پیرامون عالم عقلی و حلقه واسط یامرزمیان عالم عقلی و عالم حسی، و بالاخره خوار شمردن ماده از حیث اینکه پست ترین مخلوق صادر از واحد و پایین ترین پله در نردبان جهان هستی است.

منابع و مأخذ

۱. ابراهیمی دینانی، غلامحسین (۱۳۷۶). حکمت متعالیه ملاصدرا در آیینہ احادیث. خرد نامه ملاصدرا، ش ۱۰
۲. ابراهیمی دینانی، غلامحسین (۱۳۷۹). اتحاد عاقل و معقول. تهران: خرد نامه ملاصدرا، ش ۱۹
۳. ارشد ریاحی، علی، اسکندری، حمیدرضا، (۱۳۸۹) مراتب تکامل نفس از دیدگاه ملاصدرا، مجله انسان‌پژوهی دینی، ش ۲۴، صص ۱۳۷-۱۲۵.
۴. ارشد ریاحی، علی، اسکندری، حمیدرضا، (۱۳۸۹) مراتب تکامل نفس از دیدگاه ملاصدرا، مجله انسان‌پژوهی دینی، ش ۲۴، صص ۱۳۷-۱۲۵.
۵. اله‌بادشتی، علی، (۱۳۸۹) تربیت فلسفی جوان (معنا، اهداف و روش‌ها) در مجموعه مقالات چهاردهمین همایش حکیم ملاصدرا، ایران، انتشارات حکمت اسلامی صدرا، صص ۶۴-۴۹.
۶. پرویزی، مه‌ری، (۱۳۸۹) حکمت متعالیه، الگوی تربیت فلسفی در مجموعه مقالات منتخب چهاردهمین همایش حکیم ملاصدرا، ایران، انتشارات حکمت اسلامی صدرا، صص ۳۸۰-۳ ۶۷.
۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۵). شرح حکمت متعالیه (اسفار اربعه). ج ۱، تهران: نشر اسراء
۸. جوهر دلوری، عبدالله میر (۱۹۹۶). ملاصدرا و اوج تفکر فلسفی قرن هفدهم در ایران. در اشپیکروم ایران، شماره ۲، نشریه علمی فرهنگی رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در آلمان
۹. حائری یزدی، مهدی (۱۳۷۱). «در آمدی بر اسفار»، مجله ایران‌شناسی، سال چهارم، شماره ۴.
۱۰. خامنه‌ای، سید محمد (۱۳۷۹). اصول تفسیری و هرمنوتیک قرآنی نزد ملاصدرا. خردنامه ملاصدرا، ش ۱۸
۱۱. خامنه‌ای، سید محمد (۱۳۸۰). نفس در حکمت متعالیه. خرد نامه ملاصدرا، شماره ۲۴
۱۲. خامنه‌ای، سید محمد (۱۳۸۱). خلافت - خلافت در فلسفه و عرفان اسلامی. خرد نامه ملاصدرا، ش ۲۸
۱۳. خسرونژاد، مرتضی، قمی، محسن، شریفانی، محمد (۱۳۸۷) نظریه حرکت جوهری پیامدهای فلسفی و تربیتی، در فصلنامه اندیشه دینی، ش ۲۲، زمستان، صص ۱۱۲-۹۱.
۱۴. زکوی، علی اصغر، (۱۳۸۴) تحلیلی از دیدگاه ابن‌سینا و ملاصدرا در مسئله حدوث نفس در فصلنامه انجمن معارف اسلامی ایران، ش ۲، بهار، صص ۱۴۷-۱۱۹.
۱۵. صدر المتالهین، رساله ی سه اصل، به تصحیح حسین نصر، انتشارات مولی، چاپ دوم، بی جا، ۱۳۶۰
۱۶. صدر المتالهین، الحکمه المتعالیه، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۹۸۱.
۱۷. صدر المتالهین، الشواهد الربوبیه، با تصحیح و تعلیق و مقدمه سید جلال الدین آشتیانی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۰
۱۸. صدر المتالهین، المشاعر، کتاب خانه ظهوری، چاپ دوم، بی جا، ۱۳۶۳
۱۹. صدر المتالهین، تفسیر القرآن الکریم، دوره ی هفت جلدی، انتشارات بیدار، قم، ۱۴۱۱ ق.
۲۰. صدر المتالهین، شرح اصول کافی، مکتبه المحمودی، چاپ سنگی، تهران، ۱۳۹۱
۲۱. صدر المتالهین، کسر اصنام الجاهلیه، بنیاد حکمت اسلامی صدرا، تهران، ۱۳۸۱
۲۲. صدر المتالهین، مفاتیح الغیب، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۶۳

۲۳. صمدی، علیرضا (۱۳۹۰)؛ بررسی دلالت های تربیتی آراء فلسفی ملا صدرا به عنوان فیلسوف مکتب اصفهان، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: دکتر منصور مرعشی، اهواز، دانشگاه شهید چمران ۱۳۹۰.
۲۴. کارکن بیرق، حبیب، (۱۳۸۹) تربیت فلسفی جوان امروز با تأکید بر آموزه های فلسفی حکمت متعالیه در مجموعه مقالات منتخب چهاردهمین همایش حکیم ملاصدرا، ایران، انتشارات بنیاد حکمت اسلامی صدرا، صص ۲۱۱-۲۳۲،
۲۵. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۰)؛ ترجمه و شرح اسفار ج ۱ و ۲ - قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۲۶. مطهری، مرتضی؛ (۱۳۸۲) اصول و فلسفه و روش رئالیسم، ج ۱-۵ قم، صدرا.
۲۷. نوروژی، رضاعلی، بابازاده، طاهره، (۱۳۸۹) پیامدهای تربیتی نفس از منظر ملاصدرا، فصلنامه علمی - پژوهشی اندیشه نوین دینی، ش ۲۳، صص ۹۱-۱۱۲،
28. Ken Blanchard. (2015). "Putting the One minute Manager to Work":441
29. Marx Karl Selected writings in sociology and social philosophy London Mc Graw HILL 1964.
30. Nicholas Sociological Theory. Its Nature and Growth U.S.A Random House 1967.
31. Pareto Vilfredo A Treatise on General Sociology New york Dover publication 1935.
32. Thompson Ken Emile Durkhim London New york Routledge 2002.